

## دستاوردهای ارزشمند اول ماه مه امسال را دست کم نگیریم!

عطا خلقی ۳۰ اردیبهشت ۸۸

[ata.kholghi@gmail.com](mailto:ata.kholghi@gmail.com)

ارزیابی از آکسیون های کارگری و مشخصاً مراسم های اول ماه مه، سنتی است که هر ساله بعد از پایان این مراسم ها توسط فعالان کارگری و تشکلهای موجودشان، جریانات سیاسی و منفردین کمونیست، صورت می گیرد.

اهمیت این ارزیابی ها در این است که از سویی کارگران به کم و کسری های روی داده در جریان عمل خود پی می برند، و از سویی دیگر دستاوردهای بدست آمده از این آکسیون معین را ضمیمه تجارب مبارزاتی تاکنونی خویش، می نمایند.

این گونه ارزیابی ها، به کارگران این آمادگی را می دهد تا در جریان برگزاری آکسیون های دیگر، متکی به تجارب و درسهای برگرفته از مبارزات گذشته، با دستهای پرتی، تجارب کسب شده را در سازماندهی آکسیون های بعدی بکارگیرند.

ارزیابی از کمپین اول ماه مه امسال و برگزاری این روز، بوسیله هر تشکل کارگری و هر جریان سیاسی و هر کسی صورت گیرد؛ تنها در صورتی کمک به تقویت جنبش کارگری خواهد کرد که بدقت ویژگی های اول ماه مه امسال را مد نظر داشته باشد.

در ارزیابی از چگونگی تدارک و کل پروسه برگزاری مراسم های اول ماه مه امسال ایران، نمی توان ویژگی های اوضاع و احوال سیاسی و اقتصادی حاکم بر کل جامعه جهانی و مشخصاً جامعه ایران را نادیده گرفت و درخود و بی توجه به تأثیرات عمیق یک بحران عظیم جهانی بر کل ساختار حکومتی جمهوری اسلامی و فضای سیاسی این روز؛ به یک جمع بندی واقعی دست یافت.

در ارزیابی از چگونگی برگزاری اول ماه مه امسال ایران، اگر همه مؤلفه های مؤثر و دخیل در نظر گرفته نشوند؛ اگر موج دستگیری های وسیع رهبران و فعالان کارگری ماه های اخیر توسط رژیم در نظر گرفته نشوند؛

اگر اعدام ها و شکنجه ها و شلاق زدن ها و تلاشهای پیشگیرانه رژیم برای ایجاد جو رعب و وحشت در جامعه و تهدید و خط و نشان کشیدن های ارگان های سرکوب علیه چهره های شناخته شده جنبش های اجتماعی و در رأس آنها جنبش کارگری در نظر گرفته نشوند؛

اگر واکنش های وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم و اوباش لباس شخصی علیه سازماندهندگان و شرکت کنندگان در مراسم های اول ماه مه امسال در نظر گرفته نشوند؛

و اگر ارزیابی ها صرفاً نفس برگزاری و کمیت شرکت کنندگان در این مراسم را مد نظر داشته باشد، نه تنها یک ارزیابی واقعی و همه جانبه نخواهد بود، چه بسا در مقایسه با مراسم های سالهای گذشته نا موفق و مأیوس کننده به نظر آیند. این یک تصویر واقعی از اول ماه مه امسال نیست!

واقعیت این است که امسال علیرغم همه تلاش های پیشگیرانه رژیم و تمهیدات شدید امنیتی ارگان های سرکوب، کارگران با شجاعت و اراده ای ستودنی به میدان آمدند و با اینکه از نشانه های روزها و ماه های قبل دریافته بودند که اول ماه مه امسال را در حصار نظامی نیروهای سرکوب بر پا خواهند داشت، با جسارت در محل هایی که از قبل تعیین کرده بودند با قطعنامه سراسری خود گرد هم آمدند و زیر شعار: - کارگران جهان متحد شوید - فریاد رسای «اتحاد اتحاد، کارگران اتحاد!» را سر دادند که ماشین سرکوب رژیم بکار افتاد و توده کارگران را زیر گرفت و پاسداران سرمایه اوج توحش و بربریت ضد انسانی و ضد کارگری خود را به نمایش گذاشتند. واقعیت این است که مراسم های اول ماه مه امسال حتی در فضایی مشابه فضای سالهای پیش برگزار نشدند.

امسال مراسم های اول ماه مه در فضایی برگزار گردیدند که از همان لحظات اول برگزاری، با یورش وحشیانه نیروهای انتظامی و مزدوران لباس شخصی مواجه شدند و جنایتکاران جمهوری اسلامی کارگران و فعالان کارگری و مردم رهگذر پارکها را بیرحمانه زیر ضرب باطون و مشت و لگد گرفتند و با اسپری گاز خفه کننده فلفل، شرکت کنندگان اول ماه مه امسال را از نفس انداختند و کشان کشان و خونین و مالین با خود بردند.

بنابراین اگر در ارزیابی از مراسم های اول ماه مه امسال، هماهنگی ها و برنامه ریزی ها و سازماندهی های فعالان کارگری، عزم و اراده بی باکانه کارگران، جایگاه واقعی خود را نیابند؛ و جو پلیسی حاکم بر محل برگزاری مراسم ها و یورش های سازمان یافته مزدوران به شرکت کنندگان این مراسم ها آنگونه که بود بحساب نیایند، و ارزیابی ما محدود به این بماند که این مراسم ها با شرکت چه تعدادی از شرکت کنندگان برگزار شده اند، نه تنها یک ارزیابی واقعی بدست نداده ایم که دستاوردهای ارزشمندی را هم از قلم انداخته ایم!

واقعیت این است که اگر هماهنگی ها و همکاری های بی نظیر امسال فعالین کارگری که منجر به یک اتحاد عمل قوی و یک برنامه ریزی دقیق و همه جانبه و تشکیل کمیته های برگزار کننده و صدور قطعنامه سراسری را در جای واقعی خود نشانیم و به عنوان دستاوردهای ارزشمند اول ماه مه امسال همانقدر که برجسته اند، برجسته نکنیم و فقط شرکت کنندگان در مراسم این روز را سر شماری کنیم، ممکن است تا حدودی هم مأیوس و سرخورده شویم، زیرا علی رغم برنامه ریزی خوب و تلاش جدی فعالان کارگری، در برخی از جاهایی که تدارک برگزاری این روز در دستور کارگران بوده است، فضا آن چنان قرق شده و پلیسی و رعب آور بوده است که کارگران حتی مجال تجمع کردن و خود نمایی نیافته اند و عملاً مراسمی برگزار نشده است.

واقعیت این است که اگر ارزیابی مراسم اول ماه مه امسال از زاویه ای صورت گیرد که تنها پلاکاردهای افتاده بر زمین پارکهای لاله تهران و امیریه سنندج و لنگه کفشها و کلاه های بجامانده روی زمین پارکها و لکه های خون خشک شده بر نیمکت های این پارکها را ببیند، دستاوردهای گرانقدر امسال، تلاش پیگیرانه و اقدام شجاعانه و حصار شکنانه کارگران را ندیده ایم!

این پلاکاردهای زمین افتاده و این کفش و کلاه های بجا مانده گواه بر حضور بی باکانه کارگران در این روز بود؛ و این لکه های خون و این هوای سنگین پارکها که هنوز بوی خردل می دهند نشان از توحش حاکمیت رژیم بی باکانه و ضد کارگری است که حتی تحمل برپایی مراسم روزی که در همه جای دنیا کارگران جهان برپایش می دارند، را ندارد!

باید بر این باور شد که صرف برگزاری مراسم این روز کل تصویر واقعی از اول ماه مه امسال نیست. اگر فراتر از صرف برگزاری مراسم این روز، به کل پروسه برنامه ریزی و تدارک برگزاری مراسم ها و نقشه ناظر بر کمپین های سازمانیافته و بزرگداشت اول ماه امسال بنگریم؛ آنگاه ارزیابی مان دقیق تر، واقعی تر، و بسیار امیدوار کننده و پر از دستاوردهای ارزشمند خواهد بود.

برای ارزیابی دستاوردهای اول ماه مه امسال بهتر است کمی از این روز فاصله بگیریم و ببینیم که کمونیست ها، فعالان کارگری و تشکلهایشان و جریانات سیاسی چپ و کمونیست، چگونه به استقبال این روز رفتند و چه کارهایی را در دستور گذاشتند و تمایز کل تلاشهای امسال در قیاس با سالهای گذشته در چه چیزهایی بود!

هیچ سالی به اندازه امسال، ما شاهد چنین حجمی از کار تبلیغی پیرامون اهمیت این روز و برگزاری مراسم های مستقل کارگری برای گرامیداشت این روز نبوده ایم. در این رابطه فعالین کارگری، تشکلهای کارگری موجود، کمونیست های متشکل و منفرد، سازمان های سیاسی چپ و کمونیست، از مدتها پیش در رابطه با این روز و اهمیت برگزاری مراسم اول ماه مه، مقاله ها نوشتند، تراکت و آفیش های بسیاری پخش کردند، و چندین مصاحبه رادیویی و تلویزیونی ترتیب دادند.

هیچ سالی به اندازه امسال فعالین کارگری و تشکلهای کارگری گرد هم نیامده اند تا در رابطه با چگونگی برگزاری مراسم های اول ماه مه بحث کنند، نقشه بریزند و تصمیم بگیرند.

هیچ سالی به اندازه امسال فعالین کارگری علی رغم هر اندازه دوری و نزدیکی نظری و گرایش، و هرگونه اختلافات سبک کاری، در پیشبرد یک امر مشترک؛ همدلی و هم نظری و هم یاری و اتحاد عمل نداشته اند و پای یک تصمیم واحد برای پیشبرد یک عمل مشترک نرفته اند.

هیچ سالی به اندازه امسال توافقات و حرف مشترک و تلاش مشترک و برنامه مشترک برای برپایی مراسم های بزرگتر در مراکز شهری با قطعنامه مشترک و بشکل سراسری صورت نگرفته است.

هیچ سالی به اندازه امسال فعالین کارگری موفق نشده اند که در یک ارتباط تنگاتنگ بر برگزاری مراسم های اول ماه بشکلی مستقل و جدا از مراسم های فرمایشی خانه کارگر و انجمن های اسلامی تأکید عملی داشته باشند. دستاوردهای ارزشمند اول ماه مه امسال را باید:

از تلاش خستگی ناپذیر و پیگیرانه فعالان کارگری و تشکلهای آنها استنتاج کرد.

از همکاری و هماهنگی و اتحاد عمل همه گرایشات کارگری استنتاج کرد.

از تدارک برای برگزاری سراسری و همزمان کارگران شهرهای بزرگ استنتاج کرد.

از بایکوت کردن مراسم های دولتی و فرمایشی خانه کارگر و اقدام به برگزاری مراسم های مستقل خود کارگران استنتاج کرد.

از صدور قطعنامه سراسری این روز و اعلام کیفرخواست طبقاتی جبهه کار علیه سرمایه در ابعاد جهانی، و حاکمیت سرمایه در رژیم جمهوری اسلامی پاسدار سرمایه استنتاج کرد.

از طرح مطالبات سیاسی و کارگری و اجتماعی و برجسته کردن شعارهای آزادی زندانیان سیاسی، لغو احکام اعدام، برابری زن و مرد، برخورداری از حق تشکل و اعتصاب، و مطالبات اقتصادی و رفاهی؛ استنتاج کرد.

از راه انداختن یک کمپین وسیع و سراسری با رهبری علنی و جسورانه چهره های شناخته شده جنبش کارگری استنتاج کرد.

از همسویی و هم نوایی کمپین امسال با کمپین و کارزاری که به مناسبت این روز در سراسر جهان تدارک دیده شده بود، استنتاج کرد.

از همسو بودن خط و خطوط قطعنامه سراسری امسال با توقعات طبقاتی کل طبقه کارگر جهانی بر بستر یک بحران عظیم جهانی استنتاج کرد.

از عزم جزم و عمل جسورانه کارگران در اقدام به برگزاری مراسم این روز در دل یک پادگان نظامی استنتاج کرد.

از انعکاس لحظه به لحظه برگزاری این مراسم ها توسط کارگران خبرنگار و گزارشگران کارگر استنتاج کرد.

\*\*\*

واقعیت این است که در جریان برگزاری اول ماه مه امسال:

اگر پارک لاله تهران به محاصره نیروهای نظامی و امنیتی در نمی آمد و به وحشیانه ترین شیوه های سرکوب به جان کارگران و مردم نمی افتادند؛

اگر پارک امیریه سنندج را سرکوبگران نظامی و لباس شخصی های مزدور قرق نمی کردند؛

اگر فعالان کارگری و توده کارگران شهرهای کرمانشاه و رشت و تبریز و اراک و... در حصار نظامی نیروهای سرکوبگر نبودند و مراسم هایشان مورد تهاجم و یورش نیروهای نظامی و امنیتی قرار نمی گرفت؛

اگر در جریان این یورشها، سرکوبگران رژیم تعداد زیادی از رهبران و فعالان کارگری و مردم رهگذر را دستگیر نمی کردند؛  
اگر راه ها بند نشده بودند و درها بسته نبودند و بیم دستگیری و زندان در کار نبود؛

اگر در همان تهران و سنندج، علاوه بر آن دو هزار نفری که در پارک لاله تجمع کرده بودند و آن کمیته که در پارک امیریه گرد هم آمده بودند؛ همه آن هزاران کمونیست و کارگر و زحمتکش و انسان آزادیخواه و برابری طلبی که در راه بودند یا گوشه و کنار پارکها و مسیرهای منتهی به محل برگزاری مراسم ها با دیوار گواشتی مزدوران مواجه نمی شدند و مجال شرکت کردن در مراسم ها را داشتند؛ قطعاً شمار شرکت کنندگان این مراسم ها از مرز چندین هزار نفر هم می گذشت!

بی گمان اگر محل برگزاری این مراسم ها به قلعه هایی نظامی تبدیل نمی شدند و کل منطقه را اشغال نظامی نمی کردند؛ در همان پارک لاله تهران بجای دو هزار نفر، هزاران نفر شرکت می کردند و کارگران سنندج هم با آن سنت های دیرین مبارزاتی شان تجمعی بمراتب آراسته تر و باشکوه تر از سالهای پیش برپا می داشتند!

خلاصه اینکه اگر می گذاشتند مراسم ها به روالی که برای برگزاری شان برنامه ریزی شده بود، باموفقیت و بی دغدغه و مطابق برنامه برگزار شوند؛ دستاوردهای بسیار بیشتر از اینهم می داشتیم و رفقا و همکاران کارگرمون را هم در کنار خود داشتیم و دلواپس سرنوشت آنها در زندانها نبودیم!

با این وجود و علیرغم آن همه موانع، ضرب و شتم ها، دستگیری ها، زندان ها و دلواپسی رفقا و همکاران و رهبران کارگری مان؛ هنوز هم سرفراز و آگاه تر و متحدتر و همبسته تر از پیش، بیرون آمده ایم و در این کارزار و از دل این جنگ و گریزها دستاوردهای ارزنده ای بدست آورده ایم!

این آگاهی و اتحاد و همبستگی، دستاوردهایی ارزنده و در عین حال بزرگترین شاخص های موفقیت یک آکسیون کارگری می باشند! قدر این دستاوردها را باید دانست و آنها را باید به لیست دستاوردهای تا کنونی مبارزات طبقاتی مان افزود و به آنچه که کرده ایم و آنچه که بدست آورده ایم، ببالیم!

اگر یکی از دستاوردهای ارزشمند اول ماه مه امسال، اتحاد و همبستگی و عمل مشترک کارگری بوده باشد، که بود؛ باید به اتکاء همین اتحاد و به پشتوانه همین همبستگی کارگری به «کمپین برای آزادی کارگران دستگیر شده مراسم های اول ماه مه امسال» پیوست و از هر امکانی برای رهایی این عزیزان و کلاً رهایی کلیه رهبران و فعالان کارگری و زندانیان سیاسی، بهره گرفت.

کارگران در غیاب رهبران تشکل های شان و در غیاب فعالان و سازماندهندگان مبارزات کارگری، قادر نخواهند بود کل ظرفیت های مبارزاتی خود را در مبارزه علیه سرمایه و پاسدارانش بکار گیرند.

برای دستیابی به کل این ظرفیت ها و برای به فعل درآوردن این توان بالقوه کارگری، حتماً باید با مبارزاتی پیگیرانه رهبران تشکل ها و فعالان کارگری را از حصار زندانهای رژیم رهانید.

\*\*\*

جنبش کارگری ایران، امروز بیش از هر زمانی نیازمند اتحاد عمل و عمل مشترک تشکلهای کارگری و جمع و محفلهای فعالان جنبش کارگری است.

همکاری و اتحاد عمل ده تشکل کارگری و تشکیل کمیته برگزاری اول ماه مه امسال و صدور قطعنامه سراسری، پاسخی بود به این نیاز، و گام بلند و بسیار موفق بود برای هموار سازی زمینه های اتحاد عمل های بیشتر، و تضمینی بود برای تقویت جنبش کارگری!

این گونه همکاری ها و اتحاد عمل های کارگری نوید می دهند که از این پس وجود گرایشات و اختلاف نظر در میان فعالان کارگری، در جایگاه واقعی خود قرار خواهند گرفت و فعالان کارگری می توانند در پاره ای موارد با هم اختلاف هم داشته باشند و گرایشات فکری جداگانه ای را نمایندگی کنند، اما نگذارند اختلاف نظرات جزئی و احتمالی شان اتحاد طبقاتی آنها در مقابل سرمایه داران و دولت را تحت الشعاع قرار دهد و سرعت پیشروی های جنبش کارگری را کند کند.

این اتحاد عمل آگاهانه تشکل های کارگری علیرغم اختلاف نظرهای سلیقه ای و سبک کاری، علاوه بر تقویت جبهه کار علیه سرمایه؛ زمینه و بستر تقابل شفاف گرایشات متفاوت موجود در جنبش کارگری را میسر تر خواهد کرد.

بر بستر این اتحاد عمل ها، رفاقت های کارگری عمق بیشتری می یابند و مبارزات نظری و ایدئولوژیکی سمت و سوی مثبت تر و نتیجه بخش تر و امیدوار کننده تری میگیرند؛ حاصل این اتحاد عمل ها جنبش کارگری را تقویت خواهد کرد!

برگزاری مراسم های اول ماه مه امسال در دل یک فضای کاملاً میلیتاریستی دستاوردهای ارزشمندی داشت که اساساً اکثر آکسیون های کارگری و مشخصاً آکسیون اول ماه مه برای تحقق چنین دستاوردهایی تدارک و سازمان داده می شوند!

حضور و همراهی تشکل های کارگری در جریان یک اقدام مشترک طبقاتی، از ارزنده ترین دستاوردهای اول ماه مه امسال بود که باید در حافظه هر کارگری ثبت شود.

همدلی و اتحاد و مبارزه متشکل کارگران برای زنده نگهداشتن سنت جهانی همبستگی کارگری، نه تنها در خود همراهی و همگامی با کل کارگران سراسر دنیاست، که بستری نیز برای اتحاد بیشتر، سازمان یابی گسترده تر و مبارزاتی نتیجه بخش تر است.

بر بستر چنین اتحاد عملی بود که کارگران با اعتماد به نفس بیشتری پا پیش گذاشتند و تدارک آکسیونی را دیدند که رژیم از مدتها پیش رسمی و غیر رسمی حمله به آن را اعلام کرده بود.

کارگران قدراین دستاوردهای ارزشمند را می دانند و آنها را به مجموع سنت های مبارزات تاکنونی خود خواهند افزود و قطعاً در جریان مبارزات بعدی خود از آنها سود خواهند جست.

جمهوری اسلامی هم قادر نخواهد بود با سرکوب و دستگیری فعالان کارگری و در زندان نگه داشتن آنها، دستاوردهای بدست آمده کارگران را باز ستاند.

کارگران به پشتوانه همین دستاوردها، فعالان کارگری و رهبران خود را هم آزاد خواهند کرد!

کمپین مبارزه برای آزادی کارگران دربند، که تعداد تشکل های کارگری شرکت کننده در آن از مرز ۳۰ تشکل هم گذشته است، عمل مشترک دیگری است که نه تنها باید جدی و پیگیرانه رهایی کارگران زندانی را پی بگیرد؛ که باید همچون یک واحد رزمنده واکنش سریع، امروز بنام: «کمپین مبارزه برای آزادی کارگران زندانی» و فردا برای پیش برد مبارزه در عرصه دیگری، حاضر به یراق در میدان باشد و نقش کارساز خود را در جبهه مبارزه کار علیه سرمایه ایفا نماید!